ادامه از صفحه ۲

روحانی و پیچیدگی‌های سیاست داخلی آمریکا

از همـــه مهم‌تر اینکه روحانی در همان ســخنرانی تاکید کرد «دولت‌های غیرمتعهد عضو پیمان عدم اشاعه هسته‌ای مصرانه خواستار برگزاری فوری کنفرانس ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای و دیگر سلاح‌های کشتارجمعی در خاورمیانه، با مشارکت همه کشورهای این منطقه هســتند تا از هرگونه پیامد ناخواسته‌ای در این زمینه، پیشــگیری شــود.» اما همانطور که در بالا اشــاره شــد با توجه به اینکه آمریکا با فشــار اسراییل مانع شروع رسمی این کنفرانس شد و ممکن است در آینده هم از شــروع آن جلوگیری کند، ایران نمی‌تواند به درخواست شروع کنفرانس اکتفا کند و منتظر تغییر سیاست اسراییل یا آمریکا شود، همانطورکه هردو این کشــورها بیش از ۱۵سال از اینکه سازمان‌ملل تشکیل این کنفرانس را به تصویب برساند، هم جلوگیری کردند و این درحالی اســت که شروع این کنفرانس موقعیت مناسبی برای ایران به وجود می‌آورد که پرونده هسته‌ای آن از شورای امنیت به این نهاد که اعضای آن از حقوق متســاوی برخوردارند، انتقال پیدا کند و گزینه تهدید، تحریم و حرکت به‌ســوی جنگ بی‌زمینه شود، زیرا از یک‌طرف مهم‌ترین استدلال ایالات‌متحده در درگیری با ایران، جلوگیری از اشاعه سلاح‌های هسته‌ای است و از طرف دیگر هم هدف اصلی کنفرانس سازمان‌ملل هم این است که تسلیحات کشتارجمعی در همه کشورهای خاورمیانه از جمله در ایران ممنوع شوند، بنابراین این کنفرانــس تنها محلی اســت که در صورت شکســت مذاکــرات ۱+۵ می‌تواند با تکیــه بر حقوق بین‌المللی مناقشه هسته‌ای با ایران را در دستور کار خود قرار دهد و به نتیجه مثبتی هم برسد.

ادامه از صفحه اول

کسب اطلاع کنید

جامعه ورزش کشــور و البته دســتگاه‌های مســوول به‌ویژه وزارت امورخارجه، باید ضمن گرفتن موضع قاطع در این خصوص، از همه ظرفیت‌ها برای صحه‌گذاشتن بر نام خلیج‌فارس، بهره بگیرند. فعلا نخستین اقدام، می‌تواند پیگیری دلایــل این تصمیمات متناقض در فدراســیون جهانی باشد چراکه بی‌اطلاعی مسوولان فدراسیون در این زمینه، قابل قبول نیست.

عکس: عباس کوثری، شرق

احمد توکلی در گفت‌وگو با «شرق» بررسی کرد

نقش سپاه در اقتصاد ایران

جواد مرشدی

احمد توکلی از چهره‌های شــاخص اصولگراست که گاهی نقدهای تندی به هم‌سنگران خود دارد. او دو بار برای کسب کرسی ریاست‌جمهوری به مصاف اکبر هاشمی‌رفسنجانی و محمد خاتمی رفت و هر بار شکست خورد. توکلی پیش از نمایندگی، دو دوره در مجلس هفتم و هشتم سخنگویی دولت شــهیدرجایی و وزارت کار دولــت دفاع‌مقدس را در کارنامه خــود دارد. او در مجلس هفتم و هشــتم به‌عنوان نماینده تهران همواره نقدهایی به دولت گذشــته داشــته اســت. البته توکلی در طول بررســی رای اعتماد به دولت تدبیــر و امیــد نطق‌های تنــدی به وزیر پیشــنهادی نفت روحانی داشــت، امــا او همواره معتقد اســت فــردی اهل «تعامل» است.

شــما دو دوره نامــزد انتخابات ریاســت جمهوری بودیــد، چرا در این دوره با اینکه تعدد نامزدهای جناح اصولگرا زیاد بود وارد این کارزار نشدید؟

چندسالی اســت که از نظر جســمی فرسودگی پیدا کرده‌ام و سنم بیشتر شده و به تشخیص طبیبم نباید کار سنگینی انجام دهم. گرچه نمایندگی خودش کار سنگینی است ولی همین‌جا هم احتیاط می‌کنم.

آیا برای نامزدی ریاســت‌جمهوری پیشنهادی هم شده بود؟

بله خیلی از افرادی که من را می‌شناختند و توده‌های مردم ابراز تمایل می‌کردند.

نتیجه اجماع اصلاح‌طلبان پیروزی روحانی بود، اما هرگز ائتلافی در اصولگرایان به اجماع نرسید علت این موضوع را چه می‌دانید؟

به اعتقاد من علت شکســت اصولگرایــان در دلخوری مردم از نحوه اداره کشور بود که به نام اصولگراها تمام شد. به‌خصوص دوره دوم ریاســت‌جمهوری آقای احمدی‌نژاد که خیلی از هنجارها شکســته شد و لطمه‌هایی به مردم وارد آمد و مردم از چشــم اصولگراها دیدند. گرچه مجلس در ســال‌های آخر دولــت عدم‌همراهی روشــنی با آقای احمدی‌نژاد داشــت، ولی به هر حال کسی آنطور که باید فعالیت نمی‌کرد که در مجلس اثر بازدارندگی داشته باشد و مردم مجلس را هم شریک دولت دیدند. در نتیجه همه اصولگراها متهم شــدند. موضوع دیگر تفرق اصولگراها بود و کســی حاضر نشــد کنار برود و این پیام بدی به جامعه داشــت. معنی آن این بود که برخلاف اینکه می‌گویند ما تشنه خدمتیم ممکن است تشنه قدرت باشند. در مقابل امــا آقای عارف به نفع آقــای روحانی کنار رفت و این یک نشانه مثبت بود.

امــا اصولگرایــان چــه بخواهنــد و چــه نخواهند احمدی‌نژاد محصول آنهاست.

آقــای احمدی‌نژاد تــا حد زیادی محصــول خودش بود، آقای احمدی‌نژاد از ابتدا هیچ‌گاه نگفت اصولگراســت. می‌خواســت بگوید من یک چیز دیگرم. تافته جدابافته‌ای هستم که با همه اینها متفاوت هستم. اگر دقت کرده باشید به حزب و گروه‌های سیاســی حمله می‌کرد و این حاصل عوامل مختلفی بود که یکی از آنها خود اصولگرایان هستند.

آیا از علت‌هایی که منتقد احمدی‌نژاد شدید همین است؟

یکی از دلایلش این بود. همچنین اینکه خوب اســت یک نفر آنقدر محبوبیت پیدا کند که بتواند مســتقل رای آورد ولی اگر در روشــی که برای کسب محبوبیت انتخاب می‌شود، صداقت رعایت نشود از نظر من مذموم است.

چرا مجلس هرگز نتوانســت با احمدی‌نژاد برخورد جدی انجام دهد؟

چنــد نمونه عرض می‌کنم که اینطــور نبود. مجلس حرفش را پیش برد، خیلی جاها جلو کارهای احمدی‌نژاد ایســتادیم. به‌عنوان مثال در مجلس به آقای احمدی‌نژاد گفتیم کــه ۷۵۰ردیف غلط اســت، نظــم اداری را به‌هم می‌ریزد. آن را قانونی ۲۶ردیف کردیم. بعد آقای احمدی‌نژاد آن را ۳۹ردیف کرد. ما جلو او ایستادیم. او به طرق مختلف خواســت حرفش را به کرســی بنشــاند بالاخره از طریق مجلــس و اخطار رییس مجلــس و از طریق رهبری جلو کارش را گرفتیم.

ولی مجددا او همان ردیف مدنظر خودش را ارایه داد.

بله، دوسال بعد باز تکرار کرد و لایحه را ۳۹ردیفه داد ولی باز مجلس آن را تغییــر داد. یا مثلا موارد دیگری که ایشــان می‌خواســت تنهایی تصمیم بگیرد و پیش ببرد و مجلس مکرر جلو او را با تقنین گرفت.

اشکالی که به مجلس وارد است این است که بیشتر از قوه‌تقنین خود استفاده می‌کرد تا از قوه نظارت.

جنبه‌نظارتی ضعف مجلس است. مجلس از قوه‌تقنینش در کنترل احمدی‌نژاد خوب استفاده کرد و به نظر من در مجموع موفق بود. اما در جنبه نظارتش ضعیف برخورد کرد. نه که خیلی ضعیف باشد، استیضاح‌های خوبی انجام داد. جلو بعضی وزرایش ایســتاد و رای نداد. آقای احمدی‌نژاد شخصیت ویژه‌ای اســت. واقعا من در سیاســتمداران در مجموع صفات مثل او ندیدم که برای رســیدن به مقصود خودش به هر دری بزند و هر کاری کند.

برخی معتقدند مجلس گاهی به‌عنوان «مادر واقعی» از سهم خودش برای «نامادری» گذشت.

واقعا اینجور است.

آیا احمدی‌نژاد دوباره تکرار می‌شود؟

فکر نمی‌کنم. نه بســترش بین مردم وجود دارد و هم اینکه همه سیاستمداران ضررهای آن رفتارها را چشیدند.

در جلســه «رای اعتمــاد» در ردیــف تندروها قرار گرفتید، علت این برخورد چه بود؟

یعنی چه؟

مشخصا در مورد آقای زنگنه می‌پرسم.

من آدم با پرنسیپی هستم، اینجور نیستم که هر بادی به هر طرف مرا بکشد. من منطقی از دولت آقای روحانی دفاع کردم با همان منطــق هم فکر می‌کردم آقای زنگنه با آن خطایی که برای من آشکار شده بود در وزارت نفت نباشد بهتر اســت. ولی برای آقای زنگنه برخلاف نظر گذشته‌ام خیلی تلاش کردم که رای بیاورد.

قبل از سخنرانی گفتید به صرف همان قسم‌جلاله که بیژن نامدارزنگنه خورده بود، کمک کردید ایشــان رای بیاورد؟

نمی‌خواهم وارد این موضوع شــویم. بعد از آن با آقای زنگنه تماس گرفتم و گفتم توصیه‌هایی داشتم و ایشان هم خیلی استقبال کرد.

علت اینکــه محمدعلی نجفی، وزیر پیشــنهادی دولت رای نیاورد را تا چه اندازه به شــبنامه‌های جبهه پایداری علیه ایشان می‌دانید؟

خیر؛ آقای نجفی به دلیل شبنامه‌های جبهه پایداری نبــود کــه رای نیاورد. آقــای نجفی از حیــث خاص بین دستگاه‌های مختلف مجلس مورد ایراد بود. جبهه پایداری‌ها از نظر تعداد کم هستند ولی از نظر همت، بعضی‌شان خیلی بیشــتر از یک نماینده همت دارند. روی سندهایشان کار می‌کننــد. اینکه اینها در مجلس تعیین‌کننده هســتند و می‌توانند عزل‌ونصب کنند، از این خبرها نیست.

ولــی تاثیرگذارتــر از چیــزی که هســتند نشــان می‌دهند.

از آنچه هســتند قدرتمندتر نیســتند، امــا در تعداد تاثیرگذارند.

در انتخــاب کابینــه بحث مربوط بــه وقایع پس از انتخابات سال ۸۸ در مجلس خیلی مطرح شد، باز این نگرانی وجود دارد که اتهام‌زنی‌ها و تهدیدها تکرار شود. آیا این نگرانی بجا است؟

مسایلی که بعد از سال ۸۸ بعد از انتخابات رخ داد که به تعبیر من فتنه بود دو دیدگاه در کشور وجود دارد. هر کس بخواهد به حاکمیت برود و پست سیاسی بگیرد نمی‌شود ارکان آن حکومت را قبول نداشــته باشد. رکن اصلی این حکومت قانون است. اگر کسی ساختار حکومتی را ناکافی دانســت برای اینکه احقاق قانونی کند به حدی که حاضر اســت قشون‌کشی خیابانی کند یا از قشون‌کشی خیابانی حمایــت کند، نباید از قدرت ســهم بخواهــد. این منطق قابل‌فهم دودوتا چهارتاست. هیچ نظامی اپوزیسیون خودش را در قدرت جا نمی‌دهد.

ما شیعه هستیم و معتقدیم اطاعت از امرونهی ولی‌فقیه واجب است. غیر از ساختار سیاسی ساختار اعتقادی دینی ما هم اضافه می‌شود. آن‌وقت اینها کسانی بودند که اغلبشان از ما نسبت به ولایت‌فقیه مدعی‌تر بودند. شما سنتان اجازه می‌دهــد دهه ۶۰ و ۷۰ یادتان بیاید. شــما یادتان می‌آید آقایانی که الان بیشترشــان در اصلاح‌طلبان هستند ما را به‌عنوان «ضدولایت‌فقیه» هو می‌کردند.

شما و آقای عسگراولادی و مرتضی نبوی و...

بله، پرورش و ولایتی و ناطق‌نوری.

و شــما چهارنفــر بیــرون آمدیــد و رســالت را راه انداختید، بعد هم آن ۹۹نفر.

احســنت، ما را مخالف ولایت‌فقیه می‌دانستند. حالا خودشــان به آن مبتلا شده‌اند که شــما وقتی می‌گویید هرچه در ذهن ولی‌فقیه هم گذشت باید اطاعت کنید وگرنه «ضدولایت‌فقیه» هســتید. اگر کسی هم ساختار قانونی و ساختار دینی را قبول نکند نمی‌تواند وزیر شود. البته گفتم در مصداق اختلاف‌نظر است.

در بحث وقایع سال ۸۸ نزد افکارعمومی شما متهم به گرفتن مواضع دوگانه هستید؛ چراکه یکجا می‌گفتید کاری که اینها می‌کنند درست نیست ولی در مقابلش هم می‌گفتید روشی که نیروهای امنیتی اتخاذ کردند برای برخورد با مردم بهتر از این می‌توانست باشد.

ما که عادت کرده‌ایم در کشور همه‌چیز را سیاه‌وسفید ببینیم، همین می‌شــود. یعنــی اصولگرایــان می‌گویند اصلاح‌طلبان اصلا هیچ حقی از حقایق عالم نزد آنان وجود ندارد و برخی از آنها می‌گویند اینها هیچ حقی ندارند. کشور را یک دسته نمی‌تواند اداره کند.

خیلی‌ها می‌گویند شما و چند نفر از دوستانتان از پایه‌گذاران جناح‌بندی «چپ» و «راست» هستید.

یــک وقت دیگــر مصاحبــه کنید آن خاطــرات را می‌گویم. این یکی را بشنوید که وقتی من به وزارتخانه رفتــم معاونــان را می‌شــناختم. روز اول گفتند همه می‌خواهیم استعفا دهیم، دست شما باز باشد برای اینکه معاون انتخاب کنید. گفتم من برای انتخاب معاون دستم بسته نیست. شما را عزل می‌کنم و یک نفر دیگر جای شما می‌گذارم. ولی من قصد این کار را ندارم. این‌جور که وزارت را اداره می‌کنم، قانون، قانون مورد تایید جمهوری اســلامی، تحریرالوســیله هــم روی میزم بــود. احکام تحریرالوسیله را هم بلد هستم، عربی هم بلدم، فقه هم بلدم و می‌خوانم هرکجا نتوانستم از امام می‌پرسم. شما مقلد که هستید؟ مقلد امام هستیم. گفتم قبول دارید؟ گفتند بله. گفتم همه شما بمانید.

در مرکز پژوهش‌ها هم همین‌طور رفتار کردید؟

در مرکــز پژوهش‌هــا هم همه را نگه داشــتم. من می‌گویم بین اصولگراها آدم‌های بسیار بدی وجود دارند در مقابــل بین اصلاح‌طلبان که شــما هم اصلاح‌طلب هســتی آدم‌های بســیار خوبی وجود دارند و بالعکس. دلیلی ندارد من به کســی که مســلمان و شیعه است، محب اهل بیت است، خادم مردم است و پاک‌دست است و پاک‌چشــم و پاکدامن اســت، باعرضه است و خودش می‌گوید من اصلاح‌طلب هستم و روی آزادی این‌طرفی‌ها حساس‌تر است بدبین باشم.

شما زمانی منتقد قالیباف بودید و می‌گفتید نباید کار سیاســی کند. ولی او در انتخابات ریاست‌جمهوری شــرکت کرد آیا قبول دارید قالیباف آدم سیاســی‌ای است؟

اولا من منتقد او بودم. از نظر سیاسی منتقد آقای قالیباف نبودم. من با روشش مخالف بودم. در دوره اول انتخابات۸۸ بــا آقای قالیباف صحبت کردم و به‌نفع او کنار رفتم. ولی معنی آن این نیســت که به‌عنوان یک مدیر ارشــد جمهوری اســلامی او را مبرا می‌دانستم و گاهی هم انتقاد می‌کردم. به اعتقاد من شــورای شهر انتخاباتش سیاســی اســت تا اینکه بخشــی از قدرت مهم کشور را در تهران می‌خواهند دودستی خودشان به‌دست آورند که در کسب قدرت در مراحل دیگر تاثیر می‌گذارد. اما اداره شــورا سیاســی نیست. من در مورد شهردار عرض کردم که شهرداری را می‌خواهید به کسی بسپرید که هشت‌سال سابقه شهرداری دارد و یکی که هشت‌سال سابقه شهرداری ندارد ولی فرض کنیم همه چیزهای دیگرشان مساوی باشد. این مجاهدت دارد و این نداشت. این را ندیده بگیرید. او سن‌وسالش بیشتر اســت و مدیریت‌هایش بیشتر اســت این را هم ندیده بگیرید، فقط اینکه هشت‌ســال شهردار نسبتا موفقی است، از مدیران نسبتا موفق کشور بود. که البته این را انتقاد کردم و از آقای قالیباف دفاع کردم. پشیمان هم نیستم و خوشحال هم هستم که این اتفاق افتاد.

یعنی معتقدید نباید شورای شهر سیاسی باشد.

نــه، اما به‌دلیل سیاســی‌بودن نباید ترجیح و تصمیم بگیــرد. چون محیــط، عمرانی و اقتصــادی و فرهنگی و خدماتی است.

شــما همچنین بارها از حضور نظامیان در مســایل اقتصادی انتقاد کرده‌اید. چه راهکاری برای این موضوع پیشنهادمی‌کنید؟

من از یک زاویه از حضور نظامیان در اقتصاد دفاع هم کرده‌ام.

من در مصاحبه با تجارت فردا به‌نوعی از حضور نظامیان در اقتصــاد دفاع کردم. قانون اساســی می‌گوید نیروهای ظرفیت‌های تولیدی نیروهای نظامی در زمان صلح نباید بیکار بمانند و باید در روند ســازندگی و توســعه دخالت داشــته باشــند. یک وقت ما این دخالت را جوری ترجمه می‌کنیم که این اتفاق می‌افتد که اینها فعالیت اقتصادی انتفاعی می‌کنند. یک وقت اینجور است و بانک می‌زنند، شرکت پیمانکاری می‌زنند و مشابه اینکه الان به این مسیر می‌رویم. یک وقت مثل بعضی از کشــورها ارتششــان را که مثال زدم و گفتم پینوشــه که ما به هزارویک دلیل با او خوب نیســتیم او از ارتشش اینطور استفاده کرد و کار درستی بود.

الان سپاه امانی کار می‌کند یا پیمانکاری؟

فقط سپاه نیست. خیلی از نیروهاامانی کار نمی‌کنند. می‌توانیم راهی پیدا کنیم تا نیروهایی که انگیزه درست و قــوی دارند برای خدمت به مردم، توانش را هم دارند و تربیت‌شده هســتند، از آنها استفاده شود اما تبدیل به کانون قدرت اقتصادی نشوند. اینجور که می‌گویند همه کارها دست سپاه است حرف نسنجیده‌ای است. آسمان‌ریسمان‌کردن واقعیت است. ولی چون سپاه یک نهاد مقدسی است که با فداکاری، ملت و تمامیت ارضی ما را حفظ کرد و این حرمت ارتش و ســپاه باید حفظ بماند که همه احســاس تعلق کننــد، همه آنها را مال خودشــان بدانند و خودشان را هم مال آنها بدانند، این خیلی مهم است، چون خطر این وجود دارد که قدرت سیاســی و نظامی با هم جمع شود و لطمات سیاسی بخورد به اندک آن هم باید حساس باشیم. معنی آن این نیست که سپاه همه‌چیز را در دست دارد، عرض کردم که برآوردهایی که در ذهن من است کمتر از ۱۰درصد اســت. ولی چون برای ما خود وجود سپاه و سازمانش، ارتش و سازمانش اهمیت دارد که ملی تلقی شوند، باید حساس شویم که راه بهتری انتخاب شود.

آینه

اعتماد

گفت‌وگو/ هادی خانیکی: «مبانی اصلاحــات تفاوت چندانی با گذشته نکرده است»

رسیدن به قدرت هدف نیست بلکه ابزار است. اصلاح‌طلبی به هر بها و بهانه‌ای در پی کســب قدرت نیســت ولی حتما رسیدن به قدرت از مهم‌ترین ابزارهایی است که اصلاحات را پیش می‌برد اما باید بدانیــم که پایه اصلی اصلاحات جامعه مدنی است... ابتدا باید اصلاحات را در قدرت انجام داد تا فضای فرهنگی، اجتماعی و سیاســی جامعه را اصلاح کرد. بنابراین جریان سیاسی اصلاح‌طلب هم به‌دنبال در دست‌گرفتن قدرت اســت... اکثر اصلاح‌طلبــان گفته‌اند که از ایــن دولت به‌طور مشخص سهمی نخواستند...

بهار

یادداشت: «بازی بزرگ ایران و آمریکا»؛ محمود نادری

ایران حق دارد با شنیدن این جمله اوباما که «گزینه نظامی درباره ایران همچنان روی میز است» نگران موجودیت خویش باشد... ایران نباید در دام جنگ‌طلبان و تندروهای بین‌المللی بیفتد. مواضع ایران همچنان باید در چارچوب قوانین، نرم‌ها و استانداردهای بین‌المللی و با گفتمان صلح‌طلبانه باشد. در همین چارچوب، در مساله فلســطین، موضع ایران می‌تواند تاکید دوباره بر سیاست اصولی و استراتژیک برگزاری رفراندوم در سرزمین‌های اشــغالی برای تعیین نظام حکومتی آن و با حضور همه فلســطینی‌ها اعم از یهودی، مسلمان و مسیحی باشد. همچنین ایران باید بر راه‌حل سیاسی بحران سوریه مبنی بر برگزاری انتخابات آزاد در این کشور تاکید کند.

کیهان

ســرمقاله: «سایه‌روشــن نرمش قهرمانانــه»؛ محمد ایمانی

آیا تابو شکســته و پایان شعار مرگ بر آمریکا فرا رسیده است؟ آیا می‌توان ماجرای اخیر را با ماجرای پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در سال ۱۳۶۷ یا با حوادثی نظیر صلح حدیبیه و صلح امام‌حســن(ع) مقایسه کرد؟ نقشــه و تدبیر مهندسی‌شده از سوی رهبر معظم انقلاب کدام است؟ ... دشمن هنوز نمی‌داند در عمــق فکر و تدبیر رهبر حکیم انقــلاب چه می‌گذرد؟ به همین دلیل در برابر مهندسی حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای منفعل شده است... نرمش قهرمانانه در حقیقت راستی‌آزمایی مشخص غرب و آمریکا در حوزه چالش هسته‌ای است. ما با اعتمادسازی مشکلی نداریم اما این اعتمادسازی جاده دوطرفه است... اکنون نه غنی‌سازی ۲۰درصد، نه تاسیسات فردو، نه پروتکل الحاقی و نه رآکتور آب‌سنگین اراک یا هر مصداق مشابهی نمی‌تواند موضوع مذاکره باشــد. ابتدا باید آمریکا و غرب بپذیرند که به حقوق و تعهــدات معاهده ان‌پی‌تی به عنــوان تنها مکانیزم توافق‌ساز متعهدند تا سپس بتوان توافق محتمل را مرحله‌بندی کرد و البته این توافق به هیچ‌وجه نمی‌تواند به حقوق اساسی ایران لطمه بزند.

جوان

سرمقاله: «استحکام ژله‌ای مقدمه براندازی»؛ عبدالله گنجی

مســوولان کشــور باید در موضع هجوم باشــند... راهکار مهم برای حفظ ســطح گفت‌وگو در حوزه هســته‌ای و حفظ همزمان اســتحکام داخلی نظام را می‌توان در یک چارچوب مفهومی نیز مدل‌ســازی کرد. جمهوری‌اســلامی ایران الزاما همــان انقلاب اســلامی نیســت و در تراز انقلاب اســلامی نمی‌باشد. جمهوری‌اسلامی ایران یک ساختار حقوقی است که در عــرف روابط بین‌المللی عمل می‌کند. بنابراین می‌توان در قالب جمهوری‌اسلامی ایران با آمریکا گفت‌وگو کرد و در قالب انقلاب اسلامی با آن مبارزه کرد.

روزنامه روز

یادداشــت: «ریشــه عصبانیت تندروها»؛ حشــمت‌الله فلاحت‌پیشه

تحرکاتی که از سوی تندروها در غرب و اسراییل و برخی حاشیه‌نشینان جنوب خلیج‌فارس علیه دیپلماسی جدید ایران انجام می‌شود از یکسو نشان‌دهنده سختی راه و از سوی دیگر نمایانگر به هدف خوردن اقدام جدید ایران است... دیپلماسی عمومی باید اکنون در کشور تعریف شود که مانع افراط‌گری شد. چراکه تحرک در غرب برای تحریم مجدد و افزایش فشار بر ایران خودبه‌خود موجب واکنش داخلی خواهد شــد و این همان هدفی است که تندروها به‌دنبال آن هستند. تلاش برای تحریم بیشتر ایران و از جمله به صفر رساندن صادرات نفتی ایران موضوعی نیست که ایران بتواند از کنار آن بگذرد.

اطلاعات

ســرمقاله: «آنچــه رییــس‌کل بانک مرکــزی نگفت»؛ علیرضا خانی

ولی‌الله ســیف اخیــرا گفته بــود: نرخ فعلــی ارز (حدود ۳۰۰۰تومان) کف بازار است و دلیلی ندارد بیشتر از این کاهش یابد... طبعا ایشان می‌خواسته بگوید بهای ارز با توجه به بهای ســایر کالاها در اقتصاد معنا می‌دهد. وقتی جو روانی مذاکره بــا آمریکا به‌وجود آمده- آن هم مذاکره‌ای که معلوم نیســت نتیجه‌اش چه باشد- دلیلی ندارد این جوّ روانی فضای اقتصاد کشور را به‌گونه‌ای پوشش دهد که دوباره عده‌ای صاحب ثروت افســانه‌ای شوند و عده‌ای به خاک بنشینند... آقای سیف... به جــای عوام‌فریبی، حقیقت را گفت و برای همین قابل احترام است. هرچند در تشریح چرایی سخن خود کم‌کاری کرد که البته آن را نیز ما داوطلبانه جبران کردیم!

ایران

سرمقاله: « سخنی با خوانندگان»؛ محمدتقی روغنی‌ها
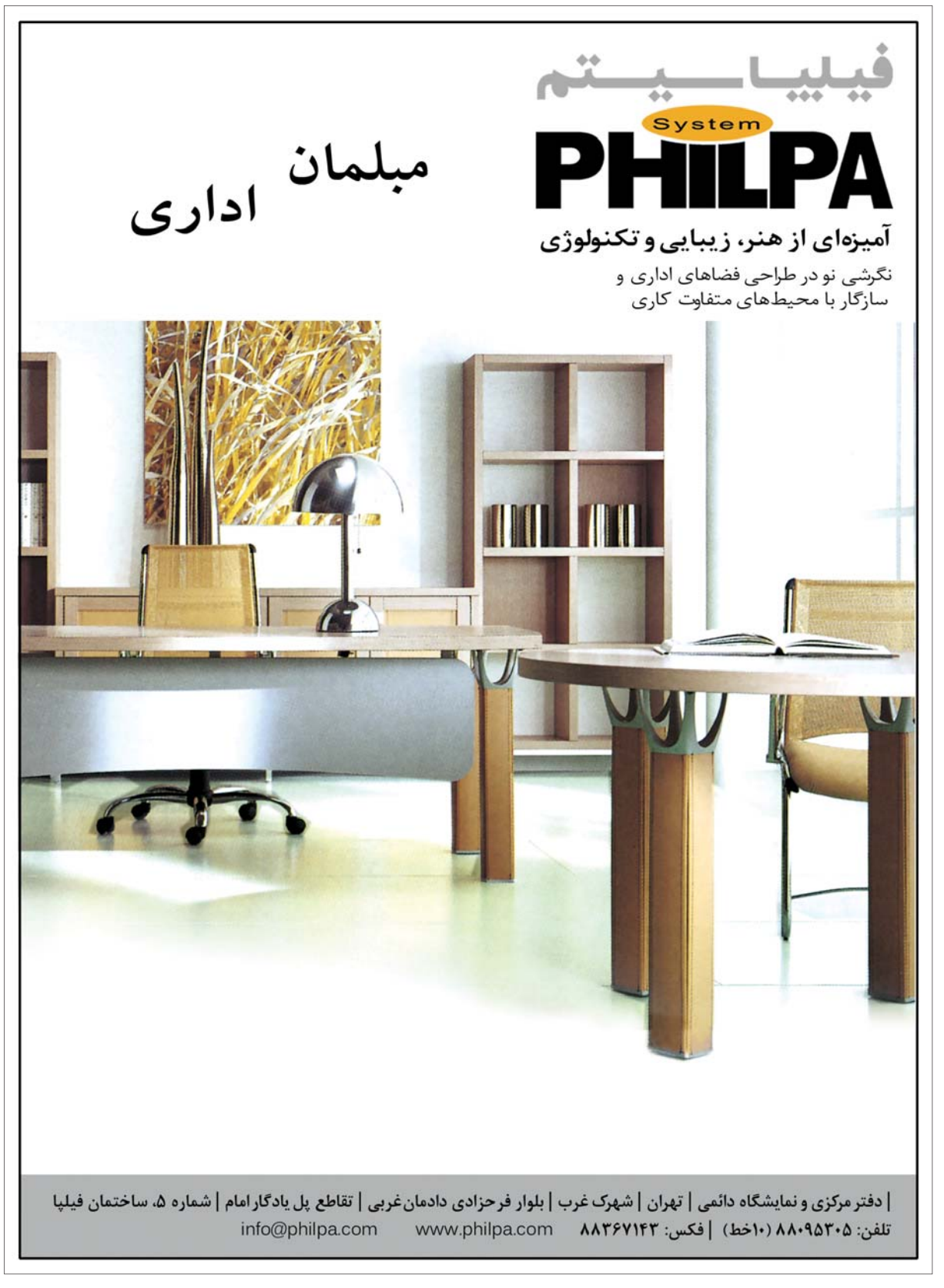
روزنامه ایران به ناچار برای تامین بخشی از هزینه‌های خود نیازمند حمایت خوانندگان است. به همین خاطر قیمت روزنامه از امروز در تهران با یکصد تومان افزایش، به ۳۰۰تومان رسید.